

■ سلام من

سلام من
به غنچه‌ای که صبحدم
به خنده باز می‌شود

سلام من
به آن پرنده‌ی سپید و شادمان
که در سپیده با نسیم
ترانه‌ساز می‌شود

سلام من
به پیچکی که صبح دست سبز او
به سوی آسمان بی‌کران دراز می‌شود

سلام من
به هر چه و به هر کسی که با سحر
تمام جسم و جان او
پُر از نماز می‌شود

بیوک ملکی

■ لحظه‌ی سبز دعا

چشمه‌ها در زمزمه
رودها در شست‌وشو
موج‌ها در همهمه
جوی‌ها در جست‌وجو

باغ در حال قیام
کوه در حال رکوع
آفتاب و ماهتاب
در غروب و در طلوع

سنگ پیشانی به خاک
ابر سر بر آسمان
مثل گنبد خم شده
قامت رنگین‌کمان

ابر در حال سفر
آسمان غرق سکوت
بر سر گلدسته‌ها
بال مرغان در قنوت

کاسه‌ی شبنم به دست
لاله می‌گیرد وضو
بیدها گرم نماز
بادها در های و هو

سرو سر خم می‌کند
غنچه لب وا می‌کند
در میان شاخه‌ها
باد غوغا می‌کند

شاخه‌ها گل می‌کنند
لحظه‌ی سبز دعا
دست‌ها پل می‌زنند
بین دل‌ها و خدا

قیصر امین پور

نماز شست و شوی دل
میان زمزم دعاست
نماز حرف گفتن
دل شکسته با خداست

نماز می کند مرا
رفیق با فرشته‌ها
نماز می برد مرا
به اوج آسمان، خدا

عباسعلی سپاهی یونسی

نماز

نماز، چون دریچه‌ای
به کوچه باغ پاکی است
نماز، بال و پر زدن
از این جهان خاکی است

نماز دفتری پر از
دویستی و ترانه است
نماز چون درخت به
پر از گل و جوانه است

■ اتفاق بهار

نماز اشتیاق گلی ست

برای جوانه زدن

بدون ریا با خدا

گپی عاشقانه زدن

نماز اتفاق بهار

میان تن آدم است

و دستان سبزش پر از

صمیمیت شبنم است

نماز آشتی می دهد
دل شیشه و سنگ را
و چون غنچه وا می کند
دل بسته و تنگ را

نماز آسمانی بلند
و هنگام پرواز ماست
و سجاده و مهر ما
زمین پر از راز ماست

نماز امنیت می دهد
به هر برگ، هنگام مرگ
به دانه، در اعماق خاک
به گنجشک زیر تگرگ

نماز ابتدای سفر
به دنیای احساس ماست
قرار ملاقات با
خداوند پروانه هاست.

ناصر کشاورز

بوی بال فرشته

صبح زود است و خواب می چسبد
باید اما که باز برخیزم
از اذان پُرشدهست کوچهی ما
باید از خواب ناز برخیزم

باز مادر بزرگ بیدار است
بوی نان برشته می آید
مادرم غرق در نماز و دعاست
بوی بال فرشته می آید

با صدای خروس همسایه
می شود خواب ناز، شیرین تر
صبح زود است و خواب می چسبد
هست اما نماز، شیرین تر
افشین علاء

■ بهتر از فرشته‌ها

دوست دارم از ته دلم
مهربان! تو را صدا کنم
لحظه‌ی شکفتن دعاست
می‌روم خدا خدا کنم

من همیشه فکر می‌کنم
از پرنده‌ها سبک‌ترم
لحظه‌ی نماز تا خدا
مثل یک فرشته می‌پریم

با نماز مثل غنچه‌ای
رفته رفته باز می‌شوم
دست‌ها به آسمان دراز
من پر از نیاز می‌شوم

وقت پر گشودن من است
می‌روم پر از خدا شوم
با نماز و روزه و دعا
بهتر از فرشته‌ها شوم
شاهین رهنما

■ یا کریم

سحر شده
دوباره یا کریم
نشسته روی سیم
درون خانه مادرم
نشسته در نماز
سحر شده
دوباره می‌وزد نسیم
کنار خانه باز
به گوش می‌رسد
صدای یا کریم
صدای یا «کریم»

محمد عزیزی «نسیم»

■ مثل آیه

مردمان از پشت قلعی کوه
فرصت غورنمایند خسته و تنها
شب کسین کرده تا که باز آید

■ وقت نماز و راز

وقتی که چشم‌های سحر باز می‌شود
در هر کجای باغ؛
بلبل
سرگرم شعرخوانی و آواز می‌شود

وقتی خدا

درهای رحمتش

بر روی مردمان جهان باز می‌شود

آن‌گاه

با چهره‌های روشن، از برکت وضو

وقت نماز و راز

وقت نیایش سحر آغاز می‌شود.

محسن ربانی جویباری

■ نماز

همه جا را سکوت پر کرده
من به نرمی نماز می خوانم
نور مهتاب روی سجاده است
لحظه‌ای سر به مهر می مانم

با صدایم که رنگ مهتاب است
آسمان را ز دور می شنوم
دوست دارم ز روی سجاده
با صدایم به آسمان بروم

شاپرک‌های شاد چشمانم
می نشینند روی مهر نماز
بوی مهتاب را که می شنوند
می کنند عاشقانه راز و نیاز

بوی مهتاب مثل بوی نسیم
از لب پشت بام می گذرد
ماه آرام و نرم می آید
از لب من، تمام می گذرد

می نشینند روی احساسم
شاپرک‌های شاد چشمانم
همه جا را سکوت پر کرده
من به نرمی نماز می خوانم.

جعفر ابراهیمی «شاهد»

■ مثل آینه

می رود باز پشت قلّه‌ی کوه
قرص خورشید، خسته و تنها
شب کمین کرده تا که باز آید
بنشیند به بام خانه‌ی ما

با صدای اذان گلدسته
می‌گشایم دوباره پنجره را
مثل پرواز یک پرنده‌ی شاد
می‌کشد پر دلم به سوی خدا

آب پاک وضو که جانم را
می‌کند مثل چشمه‌ی خورشید
هم‌چو آینه می‌شود قلبم
توی آن می‌شود خدا را دید

می‌کنم رو به قبله با شادی
دلم از هر چه هست و نیست، جدا
سر به مهر نماز می‌سایم
می‌شوم غرق نور، غرق خدا
زهره و ثوقی